

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال سیزدهم، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۸  
صفحه ۴۷ تا ۷۲

## تحلیل رابطه سیاست خارجی و توسعه اقتصادی:

مقایسه دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی (۱۳۷۶-۱۳۹۶)

علی امیدی / (نویسنده مسئول) دانشیار روابط بین الملل دانشگاه اصفهان [aliomidi@ase.ui.ac.ir](mailto:aliomidi@ase.ui.ac.ir)

آرمین قلمکاری / دانشجو دکتری روابط بین الملل دانشگاه اصفهان

[armin\\_ghalamkari@hotmail.com](mailto:armin_ghalamkari@hotmail.com)

### چکیده

این مقاله تلاش دارد تا تأثیر جهت‌گیری سیاست خارجی را بر توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار دهد. براین اساس سئوالی که مطرح می‌شود این است که نفس جهت‌گیری هر گفتمان در سیاست خارجی به چه صورت بر توسعه اقتصادی ایران تأثیر گذاشته است؟ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که شاخصه‌های اقتصاد ایران همچون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد تولید ناخالص داخلی و صادرات و واردات غیرنفتی در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی تحت تأثیر نوع جهت‌گیری سیاست خارجی آنها بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد صرف نظر از عناصر ثابت در سیاست خارجی ایران، سایر اقدامات سیاست خارجی ایران را می‌توان در چارچوب گفتمان‌های حاکم بر هر دولت ارزیابی کرد. هر یک از این گفتمان‌ها؛ در چارچوب عناصر ثابت و ساختاری سیاست خارجی ایران، شیوه خاص خود برای تعامل با دنیا را برگزیدند که تأثیرات خاص خود را بر روند توسعه اقتصادی ایران داشته است. بدین ترتیب که شاخصه‌های مذکور در دوره خاتمی روند مثبت و در دوره احمدی نژاد روندی منفی و در دوره روحانی تحت تأثیر اجرایی نشدن برجام توسط غرب روندی نوسانی را نشان می‌دهد.

**کلید واژه:** سیاست خارجی دولت خاتمی، دولت احمدی نژاد، دولت روحانی، توسعه اقتصادی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

این مقاله برگرفته از رساله دکترای آقای آرمین قلمکاری می‌باشد.

### مقدمه

سیاست خارجی و توسعه اقتصادی رابطه بسیار پیچیده و در عین حال آشکاری دارند. در این رابطه نمی‌توان بین این دو عامل در جستجوی رابطه علت و معلولی بود؛ بلکه رابطه این فاکتورها را می‌توان به نوعی تأثیر و تأثر مربوط دانست که در آن توسعه اقتصادی نوع خاص سیاست خارجی خود را تولید می‌کند و از طرف دیگر کشورهای در جستجوی توسعه نیز به دنبال سامان دادن به سیاست خارجی‌ای هستند که بتواند فرآیند توسعه اقتصادی را تسریع کند. بنابراین می‌توان بیان داشت که توسعه اقتصادی و سیاست خارجی رابطه دوسویه و در هم تنیده‌ای دارند (Hyman, 2010:1).

زمانی که به بررسی رابطه بین سیاست خارجی ایران و توسعه اقتصادی می‌پردازیم مسئله اصلی که در ذهن مطرح می‌شود این است که اصولاً آیا در خصوص مفاهیم اصلی سیاست خارجی یا توسعه اقتصادی اجماع نظری بین دولت‌های ذکر شده وجود دارد یا نه؟ دومین مسئله‌ای که در کنار اجماع مطرح می‌شود و در این پژوهش به نظر می‌رسد که موضوع محوری را به خود اختصاص داده، این مسئله است که اصولاً در جمهوری اسلامی ایران آیا با دوگانه تعامل گرا و انزوا طلب مواجه هستیم یا مسئله در نوع تعامل‌گرایی است که هر دولت آن را پی خواهد گرفت؟

از دید نویسندگان هر سه دولت خاتمی، احمدی نژاد و روحانی در هدف‌گذاری توسعه اقتصادی و پیگیری سیاست خارجی تعامل گرا با یکدیگر اتفاق نظر دارند اما تفاوت آنها در شیوه برنامه ریزی آنها برای رسیدن به توسعه اقتصادی است. دولت احمدی نژاد برای رسیدن به توسعه اقتصادی به سیاست توانمند ساختن طبقات پایین جامعه از طریق عدالت توزیعی دولت معتقد بوده است که منجر به برنامه‌هایی نظیر سهام عدالت و پرداخت یارانه مستقیم به مردم شد و در سیاست خارجی رویکرد «نگاه به شرق» را در پیش گرفت. در مقابل دولت خاتمی و روحانی به سیاست اقتصادی به عنوان ابزاری برای توانمند کردن بنیان‌ها و ساختارهای زیربنایی اقتصادی که در نهایت منجر به افزایش کار و توانمند ساختن پایدار طبقات پایین می‌شود می‌نگریستند. (دبیر خانه شورای اطلاع رسانی دولت شهرپور، ۱۳۹۵) ورد سیاست خارجی، نگاه به غرب را در پیش گرفته‌اند. براین اساس تعامل‌گرایی دولت‌های خاتمی و روحانی بیشتر مبتنی بر غرب بوده و در مقابل دولت احمدی نژاد بر کشورهای جنوب و شرق متمرکز شده بود.

### ۱- چارچوب نظری: سیاست خارجی تعامل گرا و توسعه محور

توسعه عرصه‌ای است که در آن اهداف کلان و حرکت عمومی جامعه برای دستیابی به جامعه مطلوب تعریف می‌شود. توسعه در معنای عام، فرآیندی تحولی پیچیده و همه جانبه است که در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه رخ می‌دهد و آن را از وضع موجود (عقب ماندگی) به وضع مطلوب (توسعه یافته) هدایت می‌کند. این امر تا حدود زیادی تحت تاثیر سیاست خارجی می‌باشد (دیانت و نجات پور، ۱۳۹۶: ۱۳۹).

از نظر جرج مودلسکی سیاست خارجی به معنای مجموعه‌ای از اقدامات از سوی دولت‌ها برای تغییر دادن رفتار سایر دولت‌ها و یا تنظیم رفتارهای خود با محیط بین‌الملل است (Modelski, 1962: 6). سیاست خارجی برآوردی از متغیرهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی داخلی و خارجی نظام سیاسی هر کشور است. بنابراین می‌توان بیان داشت که سیاست خارجی دولت‌ها همواره در اثر تحول در پویای داخلی و خارجی تغییر کرده است.

برای سیاست خارجی کشورهای مختلف؛ با توجه ساختارهای سیاسی متفاوت؛ مدل‌های متفاوتی قابل ارزیابی و بررسی است. ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و ساختار تصمیم‌سازی داخلی آن مدل خاص سیاست خارجی را برای این کشور ایجاد می‌کند. فراتر از ثابت یا متغیر بودن سیاست خارجی ایران؛ تغییراتی که در دوره‌های مختلف صورت گرفته است را می‌توان در دایره سیاست خارجی تعامل گرا چند جانبه (گسترده) یا تعامل گرایی محدود دسته بندی کرد. بنابراین به نظر می‌رسد که تئوری کلان لیبرالیسم به صورت عام و تعامل گرایی در سیاست خارجی به صورت خاص می‌تواند چارچوب مناسبی برای درک تغییرات صورت گرفته در سیاست خارجی دولت‌های مختلف ایران فراهم کند.

نظریه لیبرالیسم در سیاست خارجی، منطق و عقبه فکری تعامل گرایی گسترده یا تعامل گرایی محدود را فراهم می‌کند. براین اساس، تعامل گرایی گسترده در سیاست خارجی عبارت خواهد بود از سیاست خارجی‌ای که توسعه یافتگی به صورت عام و توسعه اقتصادی به صورت خاص را از روش برقراری و گسترش ارتباطات بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی با همه کشورها دنبال می‌کند. اسمیت و همکاران سیاست خارجی لیبرال را سیاستی تعریف می‌کنند که از طریق گسترش تعاملات بین‌المللی و بر مبنای اقتصاد بازار آزاد در فضای جهانی شدن به دنبال ارتقای منافع ملی و جایگاه کشورها است.

از این دید، سیاست خارجی تعامل گرا برخاسته و بر مبنای آموزه‌های لیبرالیسم به دنبال افزایش کارآیی اقتصادی داخلی برای رقابت در فضای اقتصادی بین‌المللی است و این بارزترین وجهه سیاست خارجی تعامل گرا را شکل می‌دهد. (Smith & Hadfield, etc., 2016, 54-55).

استرنج در اثر خود با عنوان دولت‌ها و بازارها این فاکتور را برجسته می‌کند که قدرت در شرایط فعلی نه تنها براساس امنیت صرف نیست، بلکه در شاخصه بندی آن تولید، امور مالی و دانش نیز نقش اساسی دارند. بر این اساس سیاست خارجی تعامل گرا را براساس سه شاخص بررسی می‌کند. اولین عامل تعریف سیاست خارجی با محوریت اقتصاد است و قدرت نظامی خروجی قدرت اقتصادی کشورها طبقه بندی می‌شود. بر این مبنای سهیم شدن در بازار جهانی و کسب قدرت مهم‌ترین هدف سیاست خارجی کشورها باید باشد؛ دومین شاخص برای تعامل‌گرایی دولت رقابتی است؛ دولت رقابتی به دولتی اطلاق می‌شود که با سیاست‌گذاری‌های مناسب داخلی در حوزه‌های مختلف صنعتی و سرمایه‌گذاری به دنبال جذب حداکثری منابع مالی، صنعتی و تکنولوژیک بین‌المللی است. در نهایت سومین شاخصه تعامل‌گرایی عبارتست از گسترش همکاری‌های بین‌المللی بخصوص در حوزه اقتصادی و با تکیه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی. همکاری و تقسیم کار بین‌المللی می‌تواند توسعه یافتگی برای کشورهای جنوب شود؛ امری که با همکاری‌های جنوب-جنوب جهت کاهش صدمات شرکت‌های چندملیتی تکمیل خواهد شد. (Strange, 1994, 103)

از دید نظری در ایران نیز سیاست خارجی توسعه گرا با ویژگی‌های خاصی شناسایی شده است که در سطح نخبگان سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. این ویژگی‌های سیاسی عبارتند از: ۱- پیشبرد توسعه در صدر اولویت‌های آن قرار دارد، ۲- تولید و حفظ ثبات در محیط امنیتی کشور را پی می‌گیرد، ۳- به گسترش و تعمیق روابط با تعداد هرچه بیشتری از کشورهای و نهادهای بین‌المللی که به نوعی در راستای تحقق اهداف برنامه قرار می‌گیرد، اولویتی ویژه می‌دهد، ۴- از ورود جدی در مناقشات و بحران‌ها تاجایی که به منافع حیاتی آن مربوط نمی‌شود، احتراز می‌کند. (واعظی و روحانی، ۱۳۸۶: ۲۸).

براساس نظریه آدریان لفت و پیچ، توسعه از برخی عوامل داخلی و خارجی تأثیر می‌پذیرد؛ از جمله ثبات داخلی (اعم از دموکراتیک یا غیردموکراتیک)، پذیرش در بازارهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، روابط حسنه با اقتصادهای مسلط، استقلال نسبی

دولت، زیربنای سالم و دستگاه اجرایی توانا، کاهش فساد، حداقل توافق میان گروهها درباره اهداف رشد و قوانین کارآمد برای دستیابی به آن و افزایش روزافزون برابری منطقه‌ای و اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها و سود حاصل از رشد اقتصادی از مولفه‌های اساسی برای رسیدن به توسعه است. همچنین پیتر ایوانز با برجسته کردن ابعاد نهادی و سیاسی فرآیند توسعه وجود اجماع سیاسی را برای خلق وضعیت توسعه یافتگی ضروری دانسته است. در مجموع می‌توان گفت پژوهش‌های انجام گرفته زمینه بروز انقلاب نظری و ظهور تئوری دولت توسعه‌گرا را فراهم کرده است. اگرچه نسل اول این تئوری‌ها (تئوری‌های مربوط به دولت توسعه‌گرا) بر تمرکز نقش این دولت در رشد اقتصادی تاکید می‌کرد. ملاحظه توسعه به مثابه «گسترش توانایی» نقش این دولت را مهم‌تر و محوری‌تر کرد. این دولت بسیار متفاوت تر از مدل دهه‌های ۱۹۸۰ و ۹۰ (آنگونه که لفت و یچ توضیح می‌دهد) می‌باشد. دولت توسعه‌گرا دارای دو بعد «استقلال متکی به جامعه» و جامعه مدنی است. ایوانز و راج معتقدند که دولت کارآمد، دولتی است که از ویژگی «استقلال متکی به جامعه» برخوردار باشد. در اینجا استقلال به دیوانسالاری منسجم و اتکای به جامعه، به رابطه‌ای که دولت با جامعه و گروه‌های اجتماعی یا مدنی دارد، برمی‌گردد. (Evans, 2004:32-36).

یکی از مؤلفه‌های مهم دولت توسعه‌گرا در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا است که همان گونه که از نام آن برمی‌آید، رسالت اصلی خود را به زمینه‌سازی برای تحقق فرآیند توسعه پایدار تعریف می‌کند. به بیان دیگر، چنین سیاستی، در واقع، یکی از ابزارهای اصلی دولت توسعه‌گرا جهت عینیت بخشی به اهداف خود است. در سیاست خارجی توسعه‌گرا اصل بر همکاری و هماهنگی در عرصه روابط بین‌الملل است. البته اصالت یافتن همکاری در این سیاست همانطور که از تنش و تقابل با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی و پذیرش وضع موجود در این عرصه نیست، بلکه با استفاده از قواعد بین‌المللی و با ایجاد اجماع هدفمند، با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی‌دارد. بدیهی است که مفهوم سیاست خارجی توسعه‌گرا برای عینیت یافتن در وهله اول نیازمند تبیین نظری، استراتژیک و دیپلماتیک دقیق است تا از قابلیت انسجام بخشی به رفتارها و گفتارهای سیاست خارجی کشور برخوردار شود. به نظر می‌رسد که

<sup>1</sup> - Embedded autonomy

برای مفهوم توسعه اقتصادی تعاریف مختلف و گسترده‌ای ذکر شده، اما رایج ترین تعریف از این مفهوم عبارتست از «رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی». این تعریف از توسعه اقتصادی رشد کمی محصولات، نوع نگاه به مقوله اقتصاد و اصولاً نظام اجتماعی مرتبط با آن را در بر می‌گیرد. بنابراین روند توسعه اقتصادی به تحولاتی اطلاق می‌شود که اولاً افزایش تولید مواد خام را شامل می‌شود و دوماً بصورت خاص ارتقاء شاخص‌های اجتماعی را در تمام حوزه‌ها دربر خواهد گرفت. در ادبیات آکادمیک نیز «افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه» و «ریشه کنی فقر از طریق ایجاد اشتغال» را نمودهایی از توسعه اقتصادی عنوان کرده‌اند. (آمارتیا سن، ۲۰۰۱) با این وجود به نظر می‌رسد که شاخصه‌های رشد GDP، نرخ بیکاری، تراز بازرگانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای تشخیص روند توسعه اقتصادی در ایران مفید به نظر برسد؛ لذا در ادامه تحقیق تأثیر سیاست خارجی هر دولت را بر این شاخص‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد و مقایسه براساس شاخصهای مذکور شکل خواهد گرفت.

## ۲- پیشینه تحقیق

شیرزادی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی»، سعی دارد ضمن بررسی عمومی برنامه‌ها، تفاوت آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. پژوهش بر آن است که نقطه شروع و وضعیت فعلی نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی را ترسیم کند. نویسنده در پی این پرسش که توسعه در برنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی چه تحول مفهومی را طی کرده است؟ به این نتیجه می‌رسد که توسعه در این برنامه‌ها، از مفهوم رشد و توسعه اقتصادی به مفهوم توسعه همه جانبه، تحول یافته است.

حاتمی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت‌های غیریکپارچه در ایران»، به این مسئله می‌پردازد که دخالت دولت در اقتصاد و به عبارتی دقیق‌تر اجرای سیاست‌های بازتوزیعی در ایران پس از انقلاب چه تأثیری بر ساخت دولت داشته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دخالت دولت در اقتصاد و اجرای سیاست‌های بازتوزیعی بر ساخت دولت در دهه اول انقلاب مؤثر واقع شده و به دو شیوه، ساخت دولت در ایران پس از انقلاب را غیریکپارچه ساخته است. در شیوه نخست بحث بر سر گستره و نحوه اجرای این سیاست‌ها به کشمکش‌های درون‌نخبه‌ای هرمنوتیک گونه در ساخت دامن زده و از

این طریق ساخت دولت را غیریکپارچه نمود. در شیوه دوم اجرای سیاست‌های بازتوزیعی، عرصه منازعه طبقاتی را از ساخت اجتماعی به ساخت سیاسی منتقل کرد و بدین سان با دستکاری در فرآیند منازعه طبقاتی، ساخت دولت را به عرصه منازعه طبقاتی تبدیل نمود. پیامد این وضعیت نیز انشقاق بیشتر در ساخت سیاسی و تقویت بیشتر وجه غیریکپارچه دولت در ایران پس از انقلاب بود.

موتقی (۱۳۸۵)، در کتاب «نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل)»، به این مسئله می‌پردازد که چرا ایران علیرغم تجربه‌ی بیش از یک قرن نوسازی و اصلاحات نتوانسته به کشوری مدرن و توسعه یافته تبدیل شود؟ مفروض نویسنده در این کتاب این است که نوسازی و اصلاحات در ایران فاقد یک مبنای نظری روشن و چارچوب تئوریک منسجم بوده و به جای محتوای عمیق و علمی فلسفی عام مدرنیته و نوسازی اساسی و ساختاری و همه جانبه، تحت تأثیر یک نوع ایدئولوژی وارداتی نوسازی و توسعه، تغییرات اجتماعی ناقص و انحرافی را سبب شد که اگر چه جامعه‌ی ایران را از حالت سستی بیرون آورد ولی نتوانست آن را به جامعه‌ای مدرن و توسعه یافته تبدیل کند. حاملان و عاملان نوسازی نیز، چه صاحبان اندیشه و قلم و روشنفکران و چه مقامات دولتی و صاحبان قدرت و ثروت، اغلب از نظر فکری و ذهنی در خاستگاه اجتماعی شان فاقد صلاحیت‌های لازم برای هدایت تغییرات اجتماعی به سمت توسعه بودند و در غیاب یک بورژوازی اصیل و سرمایه‌گذار صنعتی و ملی، دولت هم کارآیی و کارآمدی و صلاحیت و مشروعیت و اقتدار و استقلال لازم را برای پیشبرد آگاهانه‌ی تغییرات، صنعتی کردن کشور، تحقق دموکراسی و توسعه نداشت.

حاجی یوسفی (۱۳۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «رانت، دولت رانتیر و رانتیریسیم، یک بررسی مفهومی» به تعریف رانت و دولت رانتیر و رانتیریسیم، پرداخته و معتقد است که دولت رانتیر سه تأثیر عمده بر جای می‌گذارد: ۱- تأثیر بر خود دولت ۲- تأثیر بر رابطه دولت و جامعه ۳- تأثیر بر اقتصاد داخلی. وی در این مقاله عمدتاً به تعاریف بسنده کرده و تلاش می‌نماید تا زمینه را برای پژوهش‌های بعدی فراهم نماید.

دین پرست و ساعی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه، تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)» به بررسی و تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی به عنوان یکی از ابعاد توسعه در ایران در بازه زمانی برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه پرداخته و نشان می‌دهند با فرض برقراری دو شرط لازم، دولت رانتیر و

سیاست‌گذاری کوتاه مدت، توسعه اقتصاد ملی ضعیف بوده است. در این پژوهش به تبیین موانع توسعه اقتصاد ملی با استفاده از تلفیق سه نظریه دولت رانتیر، نظریه لفت ویچ، و نظریه جامعه کوتاه مدت کاتوزیان پرداخته شده است.

### ۳- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (خاتمی، احمدی نژاد، روحانی)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اگرچه در اصول و ارزش‌ها تفاوتی ندارد و از قانون اساسی، اسناد بالادستی و نیز ارزش‌های انقلاب ۱۳۵۷ تبعیت می‌کنند با این حال در جهت‌گیری و استراتژی‌های دستیابی به اهداف دارای تفاوت‌هایی با هم می‌باشند.

#### ۳-۱ سیاست خارجی دولت خاتمی

از زمان وقوع انقلاب اسلامی تا پیروزی سید محمد خاتمی در خرداد ۱۳۷۶، ایران از سیاست واقع‌گرایی و ایدئولوژیکی و یا ترکیبی از این دو در سیاست خارجی پیروی کرده است. خاتمی رویکرد اصلاح‌طلبی را انتخاب کرد که دارای دو ستون بود: تنش‌زدایی در سیاست خارجی برای حل معضلات ایران با کشورهای دیگر و اصلاح سیاسی در حوزه داخلی (امیری، ۲۰۰۶). برپایه سیاست تنش‌زدایی، خاتمی، کمتر ایدئولوژیکی رفتار کرد و تلاش کرد تا سیاست فعالانه‌ای نسبت به کشورهای غربی در پیش بگیرد. هدف تنش‌زدایی تغییر سیاست کشورهای اروپایی در قبال ایران بود. سیاست تنش‌زدایی دارای سه عنصر، مقابله با سیاست مهار، بازدارندگی و تنش‌بود (رمضانی، ۲۰۰۷). خاتمی تلاش کرد تا از وارد کردن مولفه‌های ایدئولوژیکی اجتناب کند زیرا در فرآیند بهبود روابط با دیگر کشورها مشکل‌زا بود. بعلاوه سیاست تنش‌زایی عامل اصلی فشارهای ایالات متحده و سیاست مهار این کشور بود. تنش‌زدایی منجر به تغییر سیاست کشورهای اروپایی در قبال ایران شد. فراتر از این، آنها حتی تلاش کردند تا ایالات متحده را ترغیب کنند تا از رفتار تهاجمی‌اش دست بردارد. تغییر رویکرد و نگرش اروپا نسبت به ایران باعث تقویت جایگاه ایران در منطقه شد و بر موفقیت هشتمین نشست کنفرانس کشورهای اسلامی نیز تأثیر مثبت نهاد. این نشست با عنوان «شکوه، مشارکت و گفتگو» در ۹ تا ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷ در تهران برگزار شد و کشورهای اسلامی اعلام کردند که در همکاری با سایر کشورها آماده حل بحران‌های جهانی هستند. هدف خاتمی از اصلاحات سیاسی کاستن از بار ایدئولوژیکی حکومت ایران و تقویت دموکراسی بود. در نتیجه او بر شوراهای محلی و شکل‌گیری نهادهای مدنی تأکید می‌کرد. وی تلاش کرد تا موازنه‌ای میان مجلس و قدرت رئیس‌جمهور، شوراهای محلی و نهادهای مذهبی ایجاد کند. تقویت رسانه‌های آزاد و مستقل از



حکومت عنصر دیگر فرآیند اصلاح سیاسی بود (Soltani,2010:204-203). با اینحال سیاست تنش زدایی خاتمی باعث نشد تا اروپا و آمریکا به سیاست هسته‌ای ایران اعتماد کنند. و تجهیزات هسته‌ای ایران مسئله مناقشه آمیز در روابط ایران و کشورهای اروپایی باقی ماند. آنها در کنار آمریکا به مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران ادامه دادند. خاتمی در واکنش به این نگرانی‌ها تلاش کرد تا کشورهای اروپایی را مجاب کند که ایران بدنبال سلاح هسته‌ای نیست و بر حل مسالمت آمیز این بحران تاکید دارد (Baeydi,2005).

رئیس دولت اصلاحات نمی‌خواست که مذاکره با کشورهای اروپایی در مسئله هسته‌ای قطع شود. اما مهم‌تر این بود که مسائل داخلی بر فرایند مذاکرات تأثیر نگذارند. در واقع ایران با مشکلات سیاسی و اجتماعی در داخل دست به گریبان بود بنابراین ایران تلاش می‌کرد تا در مذاکرات بازنده نشود. در واقع خاتمی به این نتیجه رسید که در مذاکرات نمی‌تواند برنده شود و حداقل بازنده نیز نباشد. در این زمان مسائلی همچون حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مسئله زنان بر روابط ایران و غرب سایه افکنده بود. بصورت کلی می‌توان گفت در عرصه سیاست خارجی شعار تنش زدایی و بدنبال آن گفتگوی تمدن‌ها سنگ بنایی برای تمایل بیشتر به تعامل، اعتماد سازی و هم‌رنگی با جامعه جهانی شد (ترابی، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۰۸).

### ۳-۲ سیاست خارجی دولت احمدی نژاد

به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد و شعارهای او نشان داد که تفاوت‌های زیادی در عرصه داخلی و خارجی با دو رئیس‌جمهور پیشین دارد. در طول ریاست جمهوری وی، سیاست خارجی ایران، احیای اصول و ارزشهای سال‌های اولیه انقلاب را تداعی کرد. احمدی نژاد وضع موجود نظام بین الملل را مورد انتقاد قرار داد و ضمن نامناسب دانستن آن، بر لزوم تغییر آن تاکید کرد. او در سخنرانی ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه از ارزش‌های انقلابی خود دست بر نمی‌دارد و به برنامه‌های شرق و غرب پاسخ می‌دهد. به عبارت دیگر او دشمنی با غرب و شرق را مجدداً در مرکز سیاست خارجی ایران قرار داد. البته احیای سیاست «نه شرقی، نه غربی» در این دوره فقط غرب را در برمی‌گیرد و داده‌ها نشان می‌دهد که نگاه به شرق اولویت سیاست خارجی دولت‌های او را تشکیل می‌دهد. این رویکرد نشانگر تفاوت فاحش سیاست خارجی احمدی نژاد با رویکرد روسای جمهوری پیشین یعنی اصلاح طلبان و پراگماتیست‌ها داشته است. عناصر سیاست خارجی احمدی نژاد در این زمان عبارت بودند از:

- نادیده انگاشتن سازمان‌های بین‌المللی
  - سیاست دشمنی نسبت به رژیم صهیونیستی
  - انتقاد از قدرت‌های بزرگ غربی بواسطه سیاست‌های مداخله جویانه آنها
  - نقد ترتیبات مربوط به تسلیحات هسته‌ای
  - انتقاد از روابط میان کشورهای شمال و جنوب (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸).
- احمدی نژاد تاکید داشت که سازمان‌های بین‌المللی ابزار ایالات متحده و شوروی سابق در جنگ سرد بودند و با فروپاشی دومی ماهیت نظام بین‌الملل تغییر نکرد. آنها توسط ایالات متحده در جهت منافع خود مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند. در مرکز این انتقادات، شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت که چند کشور محدود عضو آن دارای حق وتو بودند. مداخلات قدرتهای بزرگ موضوعی دیگر بود که در سخنرانی‌های او به چشم می‌خورد و اعتقاد داشت منافع ملی توجیه مناسبی برای این مداخلات توسط غرب نمی‌باشد. او سیاست حقوق بشری کشورهای غربی را نیز بواسطه ماهیت گزینشی و تبعیض آمیز آن مورد انتقاد قرار می‌داد. وی بر این باور بود که حقوق بشر ابزاری دیگر برای تحت فشار قرار دادن کشورهای مخالف ایالات متحده است. او اظهار می‌داشت که قدرت‌های بزرگ توجهی به شان انسانی ندارند و برای سرنوشت مناطق مختلف جهان فقط با ملاحظه منافع اسرائیل تصمیم می‌گیرند (Ahmadinejad, 25 October 2005). در ادامه او تاکید می‌کند که ایران به برنامه هسته‌ای اش ادامه می‌دهد و هیچ‌گاه تحت تأثیر ترتیبات ناعادلانه خود را محدود نمی‌کند (Ahmadinejad, 25 September 2009). شورای امنیت تحت نفوذ قدرت‌های اصلی بویژه ایالات متحده است و تصمیمات اشتباه می‌گیرد. تصمیماتی که ایران آنها را نمی‌پذیرد. احمدی نژاد ادامه می‌دهد که آمریکا و برخی کشورهای اروپایی تلاش دارند تا ایران را بی‌ثبات کنند زیرا ایران سیستم تک قطبی و ناعادلانه نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرد (Ahmadinejad, 20 April 2009).
- این موضع‌گیری‌ها سیاست وی را در قبال کشورهای غربی نشان می‌دهد. او برعکس روسای جمهور قبلی ایران، روابط میان کشورهای فقیر و غنی را نیز مورد انتقاد شدید قرار داد و بیان داشت که جهان نیازمند تحولات بزرگ به نفع همه ملت‌هاست. بر همین اساس وی تلاش کرد تا سیاست خارجی فعالانه‌ای در گسترش روابط با این دسته از کشورها برقرار کند. همین امر نیز باعث شد تا عده‌ای از کارشناسان از سیاست خارجی وی با عنوان

«جهان سوم گرایی» (Arghavani Pirsalami, 2013:91-85) یاد کنند. این مولفه ها حاکی از بازگشت معیارهای انقلابی و ایدئولوژیکی در سیاست خارجی ایران بود.

### ۳-۳ سیاست خارجی دولت حسن روحانی

روحانی در شرایطی سکان اداره امور کشور را بر عهده گرفت که ایران از نظر سیاسی در انزوای قرار گرفته بود، از لحاظ اقتصادی در شرایط بسیار بدی قرار داشت و برخی از شاخص‌های اقتصادی از حالت هشدار گذشته و به بحران رسیده بود. از طرف دیگر تصویر ایران به عنوان کشوری که ناقض حقوق بین الملل و تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی بوده است، مورد اجماع اکثر بازیگران بین المللی قرار گرفته بود. در این شرایط شعارهای انتخاباتی داخلی بشدت با سیاست خارجی گره خورده بود؛ چراکه این تفکر وجود داشت که علت قفل شدن چرخ‌های اقتصاد، در سیاست خارجی موجود است و ضرورت تعامل بیشتر با بازیگران بین المللی وجود دارد. از این رو روحانی با گفتن اعتدال وارد کارزار انتخاباتی شد و گفتن او از سوی مردم نیز مورد پذیرش قرار گرفت. اعتدال گرایی به این مفهوم تلقی می شود که وزارت خارجه از طریق دیپلماسی، وزارت دفاع از طریق پشتیبانی صنایع دفاعی و سایر نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی هم در جای خود بصورت متوازن، در سیاست خارجی نقش آفرینی کنند و سیاست خارجی به نفع هیچ یک از این ساختارها قطبی و متمایل نشود. نتایج این سیاست خارجی ایران در روابط بین الملل را نیز می توان در پیگیری اصول مختلفی نظیر تعامل سازنده با دنیا، امنیت طلبی مثبت، عدالت طلبی، تحول گرایی معقول در نظام بین الملل، چند جانبه گرایی متوازن، توسعه گرایی متوازن، کمال گرایی، صلح طلبی، منزلت طلبی و تکلیف گرایی معطوف به نتیجه شاهد بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷-۱۷)

اقداماتی نظیر شروع مذاکرات هسته‌ای با ۵+۱ و دستیابی به توافق هسته‌ای که در نتیجه منجر به بسته شدن پرونده ۱۳ ساله هسته‌ای ایران، تثبیت حق غنی سازی، مختومه شدن پرونده PMD در آژانس بین المللی انرژی هسته‌ای، لغو تمام قطعنامه‌های ضد ایرانی شورای امنیت، تکلیف به لغو تمامی تحریم‌های هسته‌ای در قوانین داخلی اتحادیه اروپا، آمریکا و سایر کشورها، به چالش کشیدن تصویر امنیتی از ایران در روابط بین الملل و ایجاد شکاف بین آمریکا و سایر همپیمانان آن در صورت عدم پابندی به برجام، معرفی ایران به عنوان کشوری که در راستای هنجارهای بین المللی حقوق بشر در حال مبارزه با تروریسم است و پذیرفتن ایده جهان عاری از خشونت و افراطی گرایی در شصت و هشتمین اجلاس مجمع

عمومی سازمان ملل متحد و تسریع روند جذب سرمایه‌های خارجی از جمله این اقدامات است. (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۶-۱۳۸)

#### ۴- تأثیر سیاست خارجی دولت‌ها بر شاخصه‌های اقتصادی سه گانه

یکی از مؤلفه‌های مهم دولت توسعه‌محور و تعامل‌گرا در پیش گرفتن سیاست خارجی توسعه‌گرا است که همان گونه که از نام آن برمی‌آید، رسالت اصلی خود را به زمینه‌سازی برای تحقق فرایند توسعه پایدار تعریف می‌کند. به بیان دیگر، چنین سیاستی، در واقع، یکی از ابزارهای اصلی دولت توسعه‌گرا جهت عینیت بخشی به اهداف خود است. در سیاست خارجی توسعه‌گرا اصل بر همکاری و هماهنگی در عرصه روابط بین‌الملل است. البته اصالت یافتن همکاری در این سیاست همانطور که از تنش و تقابل با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی و پذیرش وضع موجود در این عرصه نیست، بلکه با استفاده از قواعد بین‌المللی و با ایجاد اجماع هدفمند، با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور گام برمی‌دارد. بدیهی است که مفهوم سیاست خارجی توسعه‌گرا برای عینیت یافتن در وهله اول نیازمند تبیین نظری، استراتژیک و دیپلماتیک دقیق است تا از قابلیت انسجام بخشی به رفتارها و گفتارهای سیاست خارجی کشور برخوردار شود. براین اساس در این بخش از مقاله جایگاه سیاست خارجی دولت‌های ایران در سه دوره گذشته بر شاخصه‌های اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۴-۱ سرمایه‌گذاری خارجی

هدف دولت‌ها از جذب سرمایه خارجی، علاوه بر استفاده از تکنولوژی، مدیریت و راهیابی به بازار جهانی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری نیز می‌باشد. بدیهی است که هر چه کشوری از توان جذب سرمایه‌های بین‌المللی بیشتر برخوردار باشد، حضور آن در اقتصاد جهانی و میزان تأثیر گذاری آن بر جهانی شدن با اهمیت تر خواهد بود (دیانت و نجات پور، ۱۳۹۶: ۱۴۵). بنابراین جذب سرمایه گذاری خارجی تا حدود زیادی تحت تأثیر تعامل و تنش زدایی با جهان خارج می‌باشد. سیاست‌های دولت ایران در ده سال اول جمهوری اسلامی ایران از لحاظ جذب سرمایه گذاری‌های خارجی به علل مختلف با واکنش منفی محافل و سازمان‌های مالی جهانی روبرو شد. با شروع کار دولت اصلاحات در قانون برنامه سوم با حذف بسیاری از تشریفات اداری و ارائه تسهیلات و امتیازات مناسب، مانند: معافیت‌های گمرکی، مالیاتی و واگذاری مواد اولیه با سی درصد تخفیف، زمینه جذب سرمایه گذاران خارجی و داخلی را در سراسر کشور به ویژه در مناطق آزاد تجاری فراهم

آورد. دولت اصلاحات سپس مناطق تجاری را از مقررات عمومی صادرات و واردات معاف نمود و انتقال سرمایه و سود سرمایه گذاران را براساس نرخ آزاد ارز، مجاز اعلام کرد. امروزه مناطق آزاد تجاری در اکثر کشورهای در حال توسعه به منظور همگامی و همراهی با فرایند جهانی شدن و به عنوان پایگاه‌هایی برای جذب سرمایه گذاری بیشتر خارجی، برقراری صنایع صادراتی، و دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته ایجاد می‌گردند. دولت اصلاحات تلاش نمود از امکانات ایجاد مناطق آزاد تجاری حداقل در جذب سرمایه گذاران خارجی و داخلی بهره گیرد و برغم محدودیتهای مختلف توانست مقدار زیادی سرمایه خارجی جذب نماید. دولت در چند سال اول با الگوی پیشنهادی خود موسوم به «بیم متقابل» تلاش کرد در جهت تضمین سود سرمایه گذاران داخلی و خارجی اصلاحاتی به عمل آورد. به همین منظور دولت جمهوری اسلامی ایران قراردادهایی با شرکت‌های خارجی عمدتاً اروپایی در صنایع نفت و گاز، پتروشیمی، فولاد، مخابرات و صنایع دیگر منعقد کرد، به نحوی که تا اواسط سال ۱۹۹۹ در مجموع حدود ده میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی جذب نمود. در حقیقت سیاست‌های دولت اصلاحات بویژه تنش زدایی در سیاست خارجی و اصلاح قوانین داخلی منجر به توجه سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در اقتصاد ایران شد (CBI, 2008). در سال ۲۰۰۰ برای اولین بار رقم سرمایه گذاری خارجی صورت گرفته در کشور از یک میلیارد دلار فراتر رفت و در ادامه روند روبه رشد خود در سال ۲۰۰۱ به میزان ۳,۶۵۷ میلیارد دلار رسید. این روند در سال‌های پایانی دولت اصلاحات با کاهش مواجه شد و در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ترتیب به ۲,۶۹۷ و ۲,۸۶۳ میلیارد دلار رسید. در کل افزایش سرمایه گذاری خارجی در دولت اصلاحات در حالی رقم خورد که علاوه بر تمایل این دولت به برقراری رابطه با کشورهای غربی و برخی مسایل سیاسی در آن زمان، نرخ رشد سرمایه گذاری خارجی در جهان نیز روبه افزایش بود.

با روی کار آمدن دولت نهم و سپس دهم این رقم در سال ۸۴ با افزایش روبرو شد و مجدداً از ۳ میلیارد دلار فراتر رفت. اما در ادامه با کاهش روبرو شد و در سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۴ به ارقام ۱,۶۴۶، ۲,۰۰۵ و ۱,۹۰۹ میلیارد دلار رسید. البته کاهش میزان سرمایه گذاری خارجی در کشور در سال‌های پایانی دولت نهم به دلیل کاهش شدید این نرخ در کل جهان و بروز بحران مالی در جهان نیز بوده است. (CBI, 2008).

در خصوص سرمایه گذاری خارجی در دولت روحانی آنچه روشن است، داده‌های مقامات کشور افزایش ۸۴ درصدی افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در سال مالی ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد. اما ۱۳ میلیارد دلار جریان سرمایه گذاری در دوره میانی مارس ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ با خواسته ها و انتظارات دولت روحانی فاصله زیادی دارد. برنامه ریزی برای دستیابی به تولید ناخالص داخلی ۸٪- در میان سایر اهداف- نشان می‌دهد که دولت دوازدهم نیازمند جذب حداقل ۵۰ میلیارد دلار سالانه در دوره ۲۰۲۲-۲۰۱۷ می‌باشد (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۰۹).

در میان ابهام در خصوص معاهده هسته‌ای و تحریمات آمریکا به نظر می‌رسد این اهداف غیرقابل دستیابی می‌باشند. داده‌های مقامات رسمی ایران در این دوره نشان می‌دهد که در سال‌های میانی ۲۰۱۷-۲۰۱۳، آلمان، چین، ترکیه، اتریش، امارات متحده عربی و فرانسه بالاترین میزان سرمایه گذاری خارجی به ایران را دارا بودند. این امر تا حدودی انعکاس روابط دیپلماتیک و تجاری میان ایران با این کشورها بوده و نیاز به اشتیاق و توانایی شرکت‌های این کشورها برای دستیابی به بازارهای ایران مربوط می‌شود. علیرغم پذیرش مجدد ایران در شبکه سوئیفت و انعقاد قراردادهای مختلف با کشورهای هم‌چون کره جنوبی، چین، دانمارک و اتریش، با اینحال مسائل مالی و اعتباری هنوز بزرگترین مانع سرمایه گذاری خارجی در ایران بعد از برجام می‌باشد. علاوه بر مسائل اعتباری و مالی، تحریم‌های بین‌المللی مانعی برای تجارت با ایران محسوب می‌شوند. در ماه اکتبر، خزانه داری آمریکا تحریم‌های مرتبط با تروریسم را توسعه بخشیده تا به شکلی غیرمعارف و غیرقابل قبول بخشی از نیروهای نظامی ایران را شامل شود. اگرچه این تحریم‌ها شرکت‌های آمریکایی را در برمی‌گیرد اما بسیاری از شرکت‌های خارجی را نیز از سرمایه گذاری در ایران منع می‌کند. آنچه روشن است روحانی فاقد توان نهادی و سیاسی برای ادامه این روند می‌باشد و به نظر می‌رسد دستاورد حداقلی و کوچک داشته باشد. به همین دلیل سرمایه گذاری خارجی در این دولت در سطح پائین باقی مانده است (Risk Advisory's Security Intelligence & Analysis Service, 2017).

به همین دلیل است که جذب سرمایه گذاری خارجی مستقیم در چهار سال اول دولت حسن روحانی علیرغم معاهده برجام عملاً افزایش نیافته است. در حقیقت این شاخص در دوره دولت یازدهم و سپس دوازدهم به طور متوسط سالیانه ۶/۲ میلیارد دلار بود که نسبت به سال پایانی دولت احمدی‌نژاد حدود ۴۵ درصد کاهش داشته است.

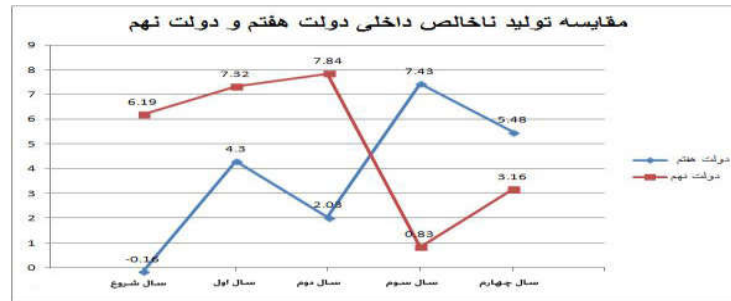
نمودار ۱: جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶



#### ۴-۲ شاخص تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی در ابتدای دولت هفتم و در دولت اول خاتمی دارای مقدار برابر ۰,۱۶- بود که این مقدار در ابتدای ریاست جمهوری احمدی نژاد برابر با ۶,۱۹ بوده است. این مقدار در طول یکسال از ریاست جمهوری خاتمی تا ۴,۳ بهبود پیدا کرد، این در حالی است که در طول یکسال از ریاست جمهوری احمدی نژاد این مقدار از ۶,۱۹ به ۷,۳۲ بهبود یافت. تولید ناخالص داخلی در انتهای سال سوم از دولت نهم دارای افت چشم گیری است. این مقدار در طول سال سوم از ۷,۸۴ به ۰,۸۷ تنزل یافت. در زمان مشابه در دولت هفتم تولید ناخالص داخلی دارای جهشی عظیم بوده که این مقدار از ۲,۰۳ به ۷,۴۳ رشد یافته است. بنابراین در دولت نهم تولید ناخالص داخلی دارای افت مقدار بوده ولی در دولت هفتم دارای رشد می باشد. این اطلاعات که تا سال ۹۰ می باشد نشانگر این است که در دولت دوم خاتمی تولید ناخالص داخلی در سال دوم تا ۸,۷۵ بهبود داشته که در سال دوم دولت دهم این مقدار تا ۶,۳۸ بوده است.

نمودار ۲: مقایسه نرخ تولید ناخالص داخلی (GDP) در دولت‌های خاتمی و احمدی نژاد



در دوره دولت یازدهم و دوازدهم، این شاخص دچار افت شده است. به نقل از صندوق بین المللی پول، بر اساس آمارهای ارائه شده توسط این نهاد بین المللی، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در پایان سال ۲۰۱۴، حدود بیش از یک سال از روی کار آمدن دولت یازدهم، ۵۲۹۰ دلار به ازای هر شهروند ایرانی بوده است. بر اساس این آمار، این شاخص اقتصادی در سال ۲۰۱۵ کاهش شدیدی را تجربه کرد و به ۴۷۱۰ دلار رسید. آمار صندوق بین المللی پول نشان می‌دهد سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۱۶ نیز همچنان روندی نزولی را تجربه کرده و به ۴۶۸۰ دلار به ازای هر ایرانی کاهش یافته است. این صندوق در پیش بینی‌های خود اعلام کرد این شاخص مهم اقتصادی در سال ۲۰۱۷ در ایران باز هم به روند کاهشی خود ادامه داده و به ۴۵۳۰ دلار به ازای هر ایرانی نزول خواهد کرد. با در نظر گرفتن این آمار می‌توان نتیجه گرفت، با روی کار آمدن دولت یازدهم، سرانه تولید ناخالص هر ایران تا پایان سال ۲۰۱۷ به طور متوسط ۱۵ درصد کاهش یافته است. (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

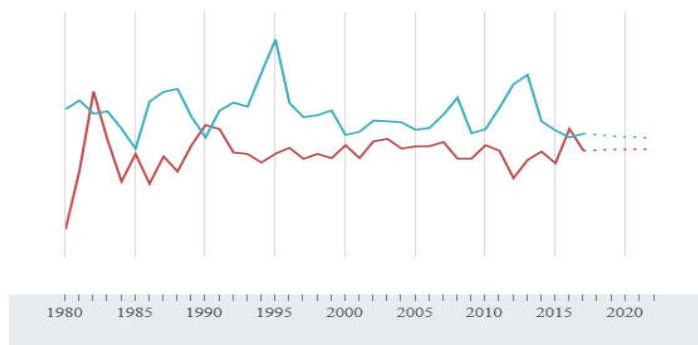
جدول ۱: نرخ تولید ناخالص داخلی در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی

دوره	دولت‌های هفتم و هشتم	نهم و دهم	یازدهم و دوازدهم
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۳،۹ درصد (به طور متوسط)	۱،۹ درصد بطور میانگین	۴،۲ میانگین

(منبع: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2016/02/weodata/index.aspx>)



نمودار ۳: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (خطوط قرمز)



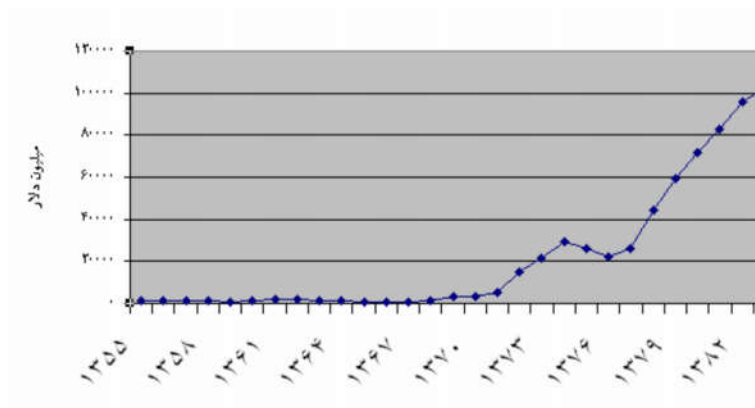
(منبع: IMF data Mapper, October 2017)

#### ۴-۳ شاخص صادرات نفتی و غیرنفتی

یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، تک محصولی بودن و وابستگی اقتصاد آنها به صدور مواد خام و اولیه است که آثاری منفی در ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی برجای گذاشته است. از آنجایی که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط با صدور یک یا چند قلم مواد خام و اولیه به دست می‌آید در برابر ناملایمات و فشارهای خارجی ساختاری بسیار ضعیف و شکننده قرار دارند. در چنین شرایطی هرگونه نوسان غیرعادی که در قیمت این کالا یا کالاهای محدودی که منابع اصلی درآمد این کشورها را تشکیل می‌دهد به وجود آید آثار پر دامنه‌ای بر ساختار اقتصادی، سیاسی و... آنها برجای خواهد گذاشت. همین امر باعث تجدیدنظر و بازنگری در ساختاری اقتصادی این کشورها و تنوع بخشیدن در سیاست‌های صادراتی و منابع درآمد ارزی شده است. (مخت فر و خاکپور، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۳). در ایران با پیروزی سید محمد خاتمی تلاش برای کاهش وابستگی به نفت اولین نمودهای خود را در برنامه سوم توسعه نشان داد. در دوره اصلاحات و با رشد صادرات کالاهای غیرنفتی که در قالب هدف جهش صادراتی کشور و به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی برنامه سوم توسعه مطرح شد، این بخش کارنامه موفق‌تری از خود برجای گذاشت. تحقق ۹۵ درصدی اهداف صادرات غیرنفتی گویای توفیق این بخش بوده است. گزارش عملکرد وزارت بازرگانی نشان می‌دهد در نخستین سال اجرای قانون برنامه سوم، میزان تحقق اهداف صادرات کالاهای

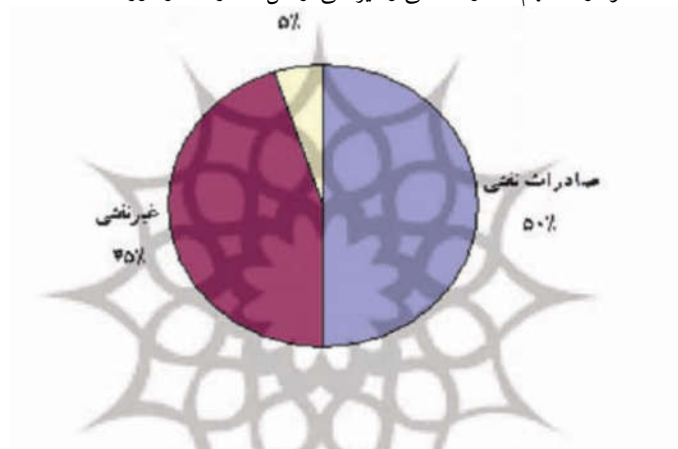
غیرنفتی ۹۸,۸ در صد، در سال پس از آن یعنی ۱۳۸۰ معادل ۹۸,۸ در صد و در سال ۱۳۸۱ نیز ۸۷,۱ در صد بوده است. در سال ۱۳۸۲ صد درصد اهداف این بخش محقق شد و در سال قبل نیز عملکرد بخش مذکور ۹۲,۵ در صد اهداف برنامه سوم توسعه را محقق ساخت. این اقدام در نتیجه بسترسازی و روانسازی صادرات غیر نفتی کشور صورت گرفته است. در همین راستا در دولت اصلاحات برنامه ها و سیاست‌هایی در دستور کار قرار گرفت که از «واگذاری حق استفاده از صد درصد ارز حاصل از صادرات به صادر کنندگان»، «معافیت صادر کنندگان از هرگونه پیمان سپاری و تعهد ارزی صدور کالا و خدمات»، «آزادسازی صادرات کالا و خدمات و محدود نمودن کالاهای ممنوع‌الصدور به چند مورد اندک» می‌توان نام برد. «خارج شدن صادرات کالا و خدمات از شمول مقررات تعزیرات حکومتی» و «بخشودگی تعهدات معوق ارزی صادر کنندگان» نیز بخش دیگری از این سیاست‌ها به شمار می‌رود. علاوه بر این، می‌توان به اختصاص بخشی از مانده تسهیلات بانکی به بخش صادرات و کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بخش صادرات از ۲۲ درصد به ۱۴ درصد اشاره کرد، همچنان که ممنوعیت دریافت هرگونه عوارض از صادرات کالا و خدمات هم از جمله سیاست‌های مشوق صادرات غیرنفتی کشور بوده است. راهکار مؤثر دیگر نیز معاف نمودن صادرات کالا و خدمات از دریافت هرگونه مجوز (به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی مرسوم در تجارت بین الملل) محسوب می‌شود. همچنین پرداخت جوایز صادراتی یکی از سیاست‌های نوین در جهت تشویق صادرات غیرنفتی است که طی این سال‌ها به صادر کنندگان نمونه تعلق گرفته است. در کنار آن پرداخت یارانه صادراتی و نیز اعطای وام ارزی به واحدهای تولیدی صادراتی نیز در راستای تجهیز مالی فعالان این بخش انجام شده است. در این گزارش همچنین به بررسی روند و جزئیات صادرات کالاهای غیرنفتی کشور طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۶ پرداخته شده است. این بررسی نشان می‌دهد طی دوره هشت ساله ریاست جمهوری خاتمی، ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی ایران از ۲۸۷۵,۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶ به رقم ۷۱۴۰,۶ میلیون دلار در سال ۱۳۸۳ رسید که به لحاظ ارزش با نرخ رشدی معادل ۱۴۸,۲ درصد مواجه شد. جزئیات آمار نیز حاکی از جهت‌گیری نظام صادراتی به سمت صادرات باارزش افزوده بیشتر و تنوع اقلام صادراتی است (حسن پور، ۱۳۸۴: ۵).

نمودار ۴: رشد صادرات غیرنفتی در دولت اصلاحات



(منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳))

نمودار ۵: سهم صادرات نفتی و غیرنفتی از کل صادرات در دوره اصلاحات

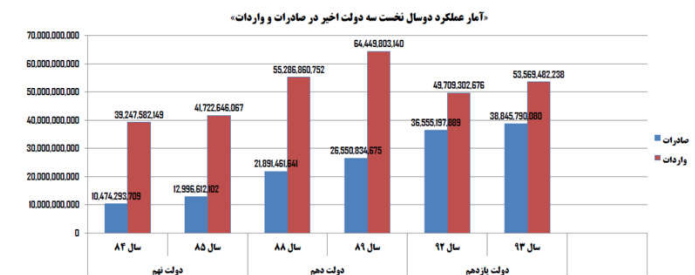


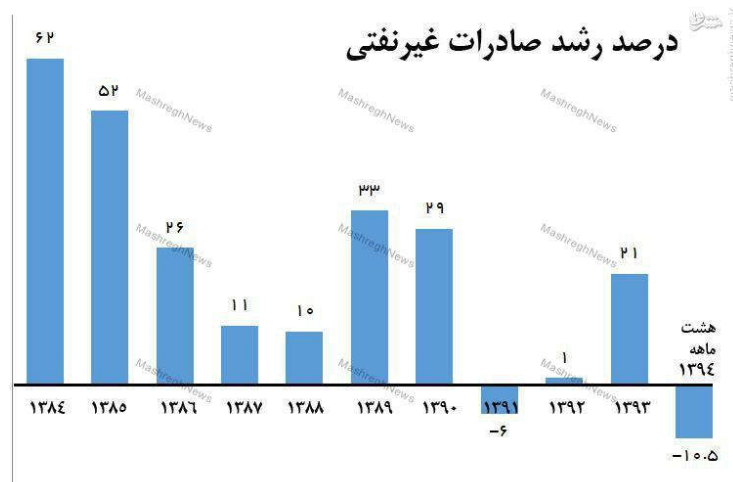
(منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، سالنامه آماری ایران (۱۳۸۳) و گزارش مرکز توسعه صادرات ایران (۱۳۸۳) به نقل از: (محنت فرو خاکپور، ۱۳۸۴: ۹۷))

نمودار ۵ به بررسی سهم صادرات نفتی و غیرنفتی از کل صادرات کشور طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۶ پرداخته است. این نمودار نشان می‌دهد که سهم صادرات نفتی از کل صادرات از رقم بسیار بالایی برخوردار است. سهم صادرات غیرنفتی به رغم اقدامات

مناسبی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی به ویژه برنامه سوم، در راستای هدف گذاری برای افزایش میزان آن به عمل آمده تغییر قابل توجهی نکرده است و این موضوع بر میزان وابستگی اقتصاد کشور به صادرات نفت و درآمدهای حاصل از آن تأکید دارد.

شروع دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد مصادف با تحولات مثبت در عرصه جهانی بوده و زمینه مناسبی برای صادرات غیرنفتی فراهم شد. همزمان با شروع بکار دولت عدالت، اقتصاد جهانی از پویایی بالایی برخوردار شد. آمریکا و اروپا در دوران رونق خود قرار داشتند، جهش اقتصادی چین با رشد ۱۵ درصدی در سال در جریان بود و کشورهای نوظهور آسیای جنوب شرقی نیز با گذراندن بحران اقتصادی اواسط دهه نود در حال رشد دوباره بودند و قرار گرفتن این کشورها در مسیر رشد، تقاضای جهانی برای مواد اولیه را با افزایش مواجه کرده بود. همزمانی این اتفاق خوب و آمادگی صنایع ایران که در دولت‌های قبلی زمینه رشد آنها کاملاً فراهم شده بود شرایط جهش صادراتی ایران را مهیا کرد. این موارد باعث شد تا صادرات کشور با رشد خوبی مواجه شده به طوریکه میزان صادرات غیر نفتی کشور از میزان پیش بینی شده در برنامه چهارم نیز بالاتر رود. در حقیقت پایان سال ۸۴ شاهد رشد صادرات غیرنفتی به میزان چهار میلیارد دلار بوده است. با اینحال روی دیگر سکه رشد صادرات غیرنفتی، واردات به همین میزان بوده است. سال دوم دولت نهم نیز شاهد رشد ۲٫۵ میلیارد دلاری در صادرات و واردات کالاهای غیرنفتی بود. نکته حائز اهمیت این است که دو سال ابتدایی دولت نهم، عملکرد تجارت خارجی دولت، تراز منفی تجاری ۵۷٫۵ میلیارد دلار بود. دولت دهم به عنوان دومین دولت احمدی نژاد در سال ۸۸ عملاً پیگیر سیاست‌های قبلی خود در اقتصاد و تجارت خارجی بود. این دولت در سال اول خود با ثبت رقم ۲۱٫۸۹ میلیارد دلار صادرات و ۵۵٫۲۸ میلیارد دلار واردات کالای غیر نفتی، توانست حدود ۳٫۵ میلیارد دلار افزایش در صادرات و ۲٫۴ میلیارد دلار کاهش واردات داشته باشد (ایسنا، ۱۳۹۴/۱۱/۱۱).





#### ۴-۴ صادرات و واردات غیرنفتی دولت روحانی

دولت یازدهم در اولین سال فعالیت خود، یعنی در سال ۱۳۹۲ صادرات غیرنفتی را با شش میلیارد دلار رشد نسبت به سال قبل به رقم ۳۶,۵ میلیارد دلار رساند و در واردات نیز با ۳,۷ میلیارد کاهش نسبت به سال قبل، رقم ۴۹,۷ میلیارد دلار را ثبت کرد. دولت روحانی همچنین در سال دوم حضور خود، یعنی سال ۱۳۹۳ در هر دو شاخص صادرات و واردات به ترتیب ارقام ۳۸,۸ میلیارد و ۵۳,۵ میلیارد دلار ثبت کرد که در هر دو رشدی حدود چهار میلیاردی نسبت به سال گذشته داشت اما دولت روحانی موفق شد تراز تجاری خود را به رقم منفی ۲۷,۸۷ میلیارد دلار برساند. داده ها نشان می دهد در مقایسه عملکرد هر یک از دولت های نهم، دهم و یازدهم در خصوص تجارت خارجی، دولت یازدهم توانسته با ثبت رقم منفی ۲۷,۸۷ میلیارد دلاری به عنوان تراز تجاری خود، در مقابل ارقام منفی ۵۷,۵ میلیارد و منفی ۷۱,۲۹ میلیارد دلاری دولت های نهم و دهم، به طور میانگین ۲,۳ برابر بهتر عمل کند. با اینحال دو سال اول دولت روحانی تراز تجاری منفی را به ثبت رسانده است (ایسنا، ۱۱/۱۱/۱۳۹۴).

اما سئوالی که در اینجا پیش می آید این است که علیرغم اینکه دولت احمدی نژاد کار خود را با تراز منفی تجاری به اتمام رساند و دو ساله نخست دولت یازدهم نیز علیرغم بهبود وضعیت هنوز در حالت منفی قرار داشت دولت چگونه توانسته وضعیت تراز تجاری را به حالت مثبت درآورد؟



در حوزه آمار صادرات غیرنفتی دو اتفاق بزرگ در دولت یازدهم رخ داد؛ اول آنکه دولت از سال ۹۴ برخلاف گذشته صادرات گاز طبیعی را (که تا پیش از آن جزو صادرات نفتی محسوب می شد) به سرجمع صادرات غیرنفتی اضافه کرد و همین اقدام موجب شد صادرات غیرنفتی به مدد صادرات گاز طبیعی تقویت شود. ضمن اینکه تداوم رکود در حوزه تولید موجب شد بخشی از واردات کشور که مربوط به مواد اولیه صنعت و ماشین آلات صنعتی بود، کاهش یابد به طوری که واردات کشور در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۳ حدود ۱۲ میلیارد دلار کاهش یافت. این دو اقدام در کنار یکدیگر موجب شد تراز تجاری کشور مثبت شود. به گفته کارشناسان، مثبت شدن تراز تجاری در صورتی یک دستاورد قابل افتخار تلقی می شود که در کنار رشد صادرات غیرنفتی واقعی و رشد واردات صنعتی اتفاق افتد نه اینکه با جابجایی آمار و کاهش واردات صنعتی که ریشه در رکود دارد، رخ دهد. نکته امیدوارکننده تر برای دولت دوم روحانی در حوزه واردات رخ داده است و آن، کاهش کالاهای مصرفی به نفع کالاهای واسطه‌ای است. نگاهی به آمارهای حوزه تجارت در هشت ماهه سال ۹۵، بیانگر ورود بالغ بر ۲۱ میلیون تن کالا با ارزش ۲۷ میلیارد و ۳۸۳ میلیون دلار از ۸۲ گمرک بوده است. با توجه به طبقه بندی کالاها بر مبنای کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی مشاهده می شود در مدت یاد شده ۹۶۲ هزار تن انواع کالای مصرفی به ارزش ۳ میلیارد و ۱۳۷ میلیون دلار از طریق گمرکات سراسر کشور وارد شده که تنها ۴ درصد از وزن و ۱۰ درصد از ارزش کل کالاهای ورودی به کالاهای مصرفی اختصاص داشته و سایر کالاهای وارداتی شامل کالاهای اساسی، دارو و مواد اولیه دارو، مواد اولیه واحدهای تولیدی و ماشین آلات مورد نیاز بخش صنعت بوده که وارد کشورمان شده است. بر این اساس سهم کالاهای واسطه‌ای از نظر وزن ۹۳ درصد و از نظر ارزش ۶۳ درصد بوده و در مجموع در ۸ ماهه سال جاری به میزان ۲۰ میلیون و ۲ هزار تن کالای واسطه‌ای به ارزش

۱۷ میلیارد و ۸۳۴ میلیون دلار وارد کشور شده است. همچنین سهم کالاهای سرمایه‌ای در این مدت به ۵۹۹ هزار تن و به ارزش ۶ میلیارد و ۴۱۲ میلیون دلار رسیده که در مجموع ۳ درصد از وزن و ۲۲ درصد از ارزش کل واردات کشورمان در ۸ ماهه سال جاری به این کالاها اختصاص یافته است (انتخاب، ۱۰/۱۱/۱۳۹۵).

سال	صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)*	واردات (میلیون دلار)	تراز (میلیون دلار)
۱۳۹۵	۴۳۹۳۰	۴۳۶۸۴	+۲۴۶
۱۳۹۴	۴۳۴۱۴	۴۱۴۹۰	+۹۲۴
۱۳۹۳	۵۰۵۶۱	۵۳۵۶۹	-۳۰۰۸
۱۳۹۲	۴۱۸۴۸	۴۹۷۰۹	-۷۸۶۱
۱۳۹۱	۴۱۴۴۸	۵۳۴۵۱	-۱۲۰۰۳
۱۳۹۰	۴۳۹۷۵	۶۱۸۰۸	-۱۷۸۳۳
۱۳۸۹	۳۳۹۲۸	۶۴۴۵۰	-۳۰۵۲۲
۱۳۸۸	۲۵۵۹۶	۵۵۲۸۷	-۲۹۶۹۱

### جمع بندی و نتیجه گیری

رابطه توسعه اقتصادی و سیاست خارجی مسئله‌ای چند بعدی و پیچیده است که بدون درک درست از ماهیت هر یک از این مفاهیم؛ قابل توضیح نیست. توسعه اقتصادی فراتر از سیاست خارجی، به وضعیت سیاسی و سیاست‌های اقتصادی و ساختارهای اقتصادی داخلی نیز بستگی دارد که آن را پدیده‌ای چند متغیری می‌کند؛ از این رو رابطه این دو مفهوم با یکدیگر را می‌توان با همبستگی مثبت یا منفی توضیح داد نه به رابطه علت و معلولی. از این رو بر این اساس در این پژوهش، در تلاش برای پاسخ دادن به این سوال که در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی سیاست خارجی چه تأثیری بر روند توسعه اقتصادی داشته است، به بررسی نسبت این دو مفهوم با یکدیگر در شاخص‌های سه گانه سرمایه گذاری خارجی، رشد تولید ناخالص داخلی و توسعه صادرات و واردات غیرنفتی پرداختیم. علت انتخاب این سه شاخص این است که بیشترین تأثیرپذیری را از سیاست خارجی دارا می‌باشند. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های سه گانه در دولت خاتمی و تحت تأثیر سیاست خارجی تنش زدایی شاهد رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش سرمایه گذاری خارجی (بواسطه سیاست‌های تنظیم و تاسیس سازمان خاص مربوط به این امر) و توسعه

صادرات و کاهش واردات غیرنفتی بوده است. در دوره احمدی نژاد علیرغم اینکه در سال‌های اولیه (بواسطه سیاست‌های دولت اصلاحات) شاهد توسعه صادرات غیرنفتی و تراز مثبت تجاری و نیز افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بوده با اینحال اتخاذ سیاست توسعه واردات به جای صادرات و سیاست خارجی تقابلی باعث افت سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه واردات بویژه از نوع مصرفی (تحت تأثیر درآمدهای نفتی) و کاهش رشد تولید ناخالص داخلی شده بود. این امر در نهایت تأثیر خود را بویژه در رابطه صادرات و واردات غیرنفتی به شکل تراز منفی تجاری نشان داد. دولت روحانی که وارث یک دولت ورشکسته و یا به تعبیر لفت ویچ دولت چوپانی بوده تلاش کرد تا سیاست خارجی مبتنی بر اعتدال و تعامل سازنده را در عرصه بین‌المللی در پیش بگیرد. با اینحال دو سال اول دولت روحانی تحت تأثیر دولت قبل با تراز منفی تجاری و کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بوده است. نکته‌ای که در این دوره شایان توجه بوده این است که علیرغم سیاست خارجی تعاملی و تنش زدایانه که در انعقاد پیمان برجام خود را نشان داد عدم تحول جدی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. علت این را می‌بایست در تداوم تحریمات بین‌المللی و عدم تغییر جدی در جایگاه ایران بواسطه بخشی از سیاست خارجی بوده که در اختیار دولت یازدهم و دوازدهم نبوده است. بنابراین به‌رغم گرایش دولت به زدودن اقتصاد از مداخلات امنیتی، بخش مهمی از اقتصاد که تحت کنترل شرکت‌های خصوصی بوده اند در تحریمات جدید خزانه داری آمریکا مشمول آن شده لذا امکان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی تاکنون میسر نشده است.



## منابع و مأخذ:

- انواری هادی (۱۳۹۰) تفاوت درآمدهای نفتی ۳ دولت سازندگی، اصلاحات و اصولگرا، در: <http://www.magiran.com/>
- کارنامه اشتغالزایی ۱۱ سال اخیر در ترازوی نقد (۱۳۹۶) در: <http://article.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=15166>
- عیوضی محمد رحیم (۱۳۸۷) تحلیلی بر سیاست خارجی آقای دکتر محمود احمدی نژاد، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۱۴.
- سیدجلالالدین دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۳)، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار، ۱۳۹۳ صص ۱-۳۹.
- سخت فر، یوسف، خاکپور، حسین (۱۳۸۴)، ارزیابی میزان صادرات غیر نفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران: یک تحلیل تجربی (۱۳۵۵-۱۳۸۳)، **مجله اقتصادی**، سال پنجم، شماره ۵۱ و ۵۲، صفحات ۹۱-۱۱۲
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر قومس.
- دانش نیا فرهاد (۱۳۹۱) دیپلماسی اقتصادی و سیاست خارجی توسعه گرا؛ ابزارهای موفقیت راهبرد توسعه‌ای ج.ا.ا. در اقتصاد جهانی، **مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، دوره ۳، شماره ۹، بهار، صفحه ۶۷-۸۶
- دیانت، محسن، نجات پور، مجید (۱۳۹۶)، «توسعه از دیدگاه جریان اسلامگرای شریعتمدار پس از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی**، سال یازدهم، شماره ۴۱، صفحه ۱۵۵-۱۳۳.
- دبیر خانه شورای اطلاع رسانی دولت شهروید (۱۳۹۵) **محورهای پیشنهادی سخنرانی وزراء در سفر به مراکز استان‌ها به مناسبت بزرگداشت هفته دولت**، ارائه شده از سوی معاونت سیاسی دفتر رئیس جمهور.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت
- واعظی حسن، روحانی حسن، (۱۳۸۶) در کتاب «اجلاس ملی چشم انداز بیست‌ساله و الزامات سیاست خارجی توسعه گرا»، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ترابی، طاهره (۱۳۸۹)، تنش زدایی نامتوازن در سیاست خارجی ایران ۱۳۶۷-۸۸ **فصلنامه ژئوپلیتیک**، شماره ۳، پیاپی ۱۹، ۱۲۰-۱۰۲
- محمدی منوچهر، مولانا، حمید (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی نژاد**، تهران: نشر دادگستر
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال الدین (۱۳۹۳)، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱، ۳۹-۱.
- رضائی، علیرضا، ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، **سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه گرا**، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد شهرضا، شماره پانزدهم، ۱۶۱-۱۳۱.
- حاجیلو، محمدحسین (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی سیاست دولت های پس از جنگ تحمیلی در شاخصه های خصوصی سازی و ادغام در اقتصاد جهانی (مطالعه موردی دولتهای خاتمی و احمدی)»، **رهیافت انقلاب اسلامی**، شماره ۴۱، صفحه ۹۷-۱۱۴.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۷)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب: تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی بر جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت غیریکپارچه در ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۸، شماره ۲، ۱۱۷-۸۹
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۷۶)، «رانت، دولت رانتیر و رانتیرسیم» **اطلاعات سیاسی -اقتصادی**، شماره ۱۲۵ و ۱۲۶، بهمن و اسفند
- دین پرست صالح، فائزه، ساعی، علی (۱۳۹۱)، «دولت رانتیر و سیاست گذاری توسعه، تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی ایران (۱۳۸۴-۱۳۶۸)»، **جامعه شناسی تاریخی**، دوره ۴، شماره ۲، ۸۶-۷۹.
- سوقتی، سید احمد (۱۳۸۵)، **نو سازی و اصلاحات در ایران**، تهران: انتشارات قومس.
- شیرزادی، رضا (۱۳۸۹)، «برنامه‌های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی»، **نشریه علوم سیاسی**، شماره ۱۱، ۴۳-۲۹
- سلامت بخش، فرزانه، (۱۳۹۶) دولت دهم با وجود بالاترین درآمد نفتی، ۲ سال رشد اقتصادی منفی را برای کشور رقم زد، در: <http://www.ima.ir/fa/News/82513110>
- ستاری، محمد (۱۳۹۶) دولت یازدهم و ۱۷۹ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی، در: <http://www.irna.ir/fa/News/82517971>
- پژویان، جمشید (۱۳۸۸) مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های بعد از انقلاب، در: <http://www.tebyan.net/>
- عملکرد دولت هاشمی نایب‌الکتاب است (۱۳۹۲) در: <http://www.jahannnews.com/fa/doc/news/287868>
- کالبدشکافی اقتصاد ایران در سه دهه اخیر (۱۳۸۹) در: <http://donya-e-eqtasad.com/news/64326>
- واعظی محمود، جنتی علی، کرباسیان مسعود (۱۳۹۳) **راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی ج.ا.ا.** در شرایط جدید بین المللی، چاپ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
- آمار شگفت‌انگیز تجارت در دولت روحانی و احمدی نژاد، ۱۱/ ۱۱/ ۱۳۹۴، <https://www.isna.ir/news/94111106684/>
- ۱- دولت روحانی با تجارت چه کرد؟ ۱۰/۱۱/۱۳۹۵، <http://www.entekhab.ir/fa/news/320246/>
- کارنامه ۳ دولت در مواجهه با بیکاری/چه سالی رکورددار نرخ بیکاری بود؟ (۱۳۹۶) در: <http://www.mehmews.com/>
- شاغلان ۶۰ دقیقه‌ای؛ میراث دولت احمدی نژاد (۱۳۹۵) در: <http://donya-e-eqtasad.com/SiteKhan/1118343->
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۳) **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار.

- محمد نیا، مهدی (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های اصول‌گرا و اعتدال، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۷۵-۲۰۴.
- حسن پور، یوسف (۱۳۸۴)، اقتصاد و بازرگانی ایران: بررسی تجارت غیر نفتی ایران با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۶، صفحات ۱۵-۳.
- حسن پور، یوسف (۱۳۸۳)، عملکرد بازرگانی ایران با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- محنت فر، یوسف، خاکپور، حسین (۱۳۸۴)، **ارزیابی میزان صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران:** یک تحلیل تجربی (۱۳۸۳-۱۳۵۵)، مجله اقتصادی، سال پنجم، شماره ۵۲ و ۵۱، صفحات ۹۱-۱۱۲.
- دبیرخانه اطلاع‌رسانی دولت، (۱۳۹۵) **سه سال با تدبیر و امید**، ارائه شده از سوی معاونت سیاسی دفتر رئیس‌جمهور.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۶) **قابیل دسترسی در:** <https://www.amar.org.ir>
- اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۵)، **قابیل دسترسی در:** <http://otaghiranonline.ir/news/>
- بانک مرکزی ایران، (۱۳۹۵)، **قابیل دسترسی در:** <http://www.cbi.ir/showitem/16062.aspx>
- روزنامه ایران، (۱۳۹۵)، **قابیل دسترسی در:** <http://www.iran-newspaper.com/Newspaper/>
- جانابز، دیان و جعفری، علی اکبر (۱۳۹۵) **تنوع‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار.
- Ash Bāli (2016) The US and the Iranian Nuclear Impasse, at: <http://www.merip.org/mer/mer241/us-iranian-nuclear-impasse>
- wAverage annual OPEC crude oil price from 1960 to 2017 (in U.S. dollars per barrel), (2017) at: <https://www.statista.com/statistics/262858/change-in-opec-crude-oil-prices-since-1960/>
- Khatami Mohammad (2016) at: <https://ipfs.io/ipfs/>
- Arghavani Pirsalami, Fariborz (2013) Third Worldism and Ahmadinejad's Foreign Policy Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 4, No. 2, pp. 81-109
- Iran's MP Pushes for Facilitating FDI in Oil, Gas Sectors (2016), at: <https://financialtribune.com/>
- Iran Economics (Tehran), July/August 2001.
- Iran Growth Rate Chart in World Bank (2017), at: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP>.
- Hyman Gerald (2010) **Foreign Policy and Development, Structure, Process, Policy, and the Drip-by-Drip Erosion of USAID**, Center for Strategic and International Studies (CSIS)
- EVANS, PETER. 2004. "Development as Institutional Change: The Pitfalls of Monocropping and Potentials of Deliberation," 2004 **Studies in Comparative International Development**. 38(4) [Winter]: 30-53.
- Modelski George (1962) **A Theory of Foreign Policy**, London, Praeger for the Center of International Studies, Princeton University.
- Siddiqi, Ahmad (2001) **Khatami and the Search for Reform in Iran**, at: [https://web.stanford.edu/group/sjir/6.1.04\\_siddiqi.html](https://web.stanford.edu/group/sjir/6.1.04_siddiqi.html)
- Risk Advisory's Security Intelligence & Analysis Service, Iran | President Rouhani struggling to achieve FDI targets, <https://www.riskadvisory.com/news/>
- Smith, Steve, Hadfield, Amelia, Dunne, Tim (2016), **Foreign Policy: Theories, Actors, Cases**, Oxford University Press,
- Soltani, Fakhreddin & Reza Ekhtiari Amiri, (2010), "Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution", **Journal of Politics and Law**, Vol.3, No.2, September: 199-206.
- Steve Smith, Amelia Hadfield, Tim Dunne (2015) **Foreign Policy: Theories, Actors, Cases**, Oxford University Press.
- Stuck on the axis of evil? (2003) <http://www.economist.com/>
- UNDP, Human Development Report 2001 (New York: UNDP, 2001).
- Fakhreddin Soltani, **Foreign Policy of Iran after Islamic Revolution**, Journal of Politics and Law vol.3, No.2, September 2010
- CBI, 2008. **The first edition of the Central Bank of Iran time series economic database**. Available at: <http://tsd.cbi.ir/IntTSD/>
- Baeidi, H. (2005). **Nuclear Policy of Khatami**. Foreign policy (1), 16.
- Jafari, A. h. (2004). **Reasons of Europe Concerns about Iran Nuclear Program**. Attitudes and Analysis (186), 14.